

نطق قبل از دستور آقای مهندس بازرگان

در مجلس شورای اسلامی جلسه مورخ ۱۶۲/۵/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

بعد از سپاس و ستایش خدا و سلام و صلوات بر رسول مصطفی و بر سایر انبیا و اولیا و شهدا، درود و تبریک و دعا تقدیم کسانی می‌نمایم که در کشت نهال سه شاخه آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی عشق ورزیده، تلاش کرده، مال و جان داده‌اند و در دفاع از حق و از حقوقمان شربت شهادت نوشیده، پیروزیهای معجزه‌آسا در جبهه‌های جنگ تحمیلی بدست آورده و می‌آورند. و همچنین سلامم به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی و به خدمتگزاران با حسن نیت در نهادها و در دولت همراه با نفرت و نفرین به صدام تکریتی و حامیانش در حملات و کشتارهای ددمنشانه سابق و به هموطنان عزیزمان در گیلان غرب.

در این نطق قبل از دستور می‌خواهم راجع به چیزی صحبت کنم که نه خودم به دلیل گذشت سن بهره‌مند از آن می‌شوم و نه شما فوریت و اولویت در آن می‌بینید، در حالی که ارزش حیاتی درجه یک برای مملکت و اهمیت اساسی و فوری برای انقلاب و جنگ و جمهوری اسلامی دارد: راجع به انتخابات مجلس آینده می‌خواهم صحبت کنم. ضمن آنکه هیچ خواسته‌ای خارج و خلاف قانون اساسی و سوگند نمایندگی ندارم.

امیدوارم نمایندگان محترم با صبر و متانت لازم اجازه دهند عرایضم را در مدت کوتاه مقرر به اتمام رسانم و به حکم آیه شریفه‌ای که روبروی دیدگانشان در بالا سر هیئت رئیسه قرار دارد، از خردمندان خوشبخت هدایت شده خدا باشند که گوش به گفتار می‌دهند و بهترین را برمی‌گزینند.

مجلس حاضر ده ما دیگر آخرین سالگرد خود را جشن خواهد گرفت. من از هم اکنون بدون توجه به رفتارهای نامیمون که مشمولش بوده‌ایم، توفیق خدمت نمایندگان محترم و پایان اولین مجلس جمهوری اسلامی را به خواست خداوند به شما تبریک می‌گویم. ولی فراموش نمی‌کنم که پایان مجلس اول پرده آخر عمر مملکت و تحقق آرمان مشترک انقلاب و ملت نیست. نه می‌توان نسبت به مجلس آینده و انتخابات آن بی‌خیال و بی‌طرف نشست و نه باید تصور کرد که دشمن فراری منصرف از دسیسه‌بازی و مأیوس از مراجعت گشته است. بدیهی است که ملت رشید انقلاب کرده ایران و تجربه اندوخته از ۲۵۰۰ سال استبداد، انقلاب قهقرایی به نظام شاهنشاهی نخواهد کرد. کسانی که چنین خواب و خیال واهی در سر می‌پرورانند باید بدانند که به گفته سعدی:

کسی نیاید به زیر سایه بوم و رهمای از جهان شود معدوم

نهضت آزادی اولین گروهی خواهد بود که به مقابله با استبداد و رجعت طاغوتی خواهد پرداخت اما آرمان مشترک یعنی مثلث مقدس آزادی ملت، استقلال مملکت و استقرار حکومت اسلامی با دو اصل مقدس دیگر یعنی حاکمیت ملی و اجرای قانون اساسی مخمسی را تشکیل می‌دهند که پنج ضلع آن وابستگی ملازم متقابل با هم داشته حیات و قوامشان در گروهی انتخابات آزاد می‌باشد. اگر ما مجلس آزاد مستقلی نداشته باشیم که متعلق و منبعث از تمام ملت باشد دیر یا زود جمهوری اسلامی مانند سلف خود مشروطیت سلطنتی، با حفظ صورت و عنوان، تبدیل به نوعی استبداد و نظام طاغوتی متکی به استیلا خارجی خواهد شد. همیشه و در همه جای دنیا استبداد از روزی شروع شده است که یک شاه، یک خاندان، یک طبقه و حتی یک مکتب خواسته است ولو با حسن نیت و به قصد خدمت، خود را یگانه مالک، یگانه مسئول و یگانه مأمور بر سایرین تصور و بر جامعه تحمیل نموده، وقعی به رضایت و رأی مردم نهد. در حالی که مجلس‌های شورای واقعی و آزادی‌های اجتماعی آخرین و بلکه یگانه سنگرهای استقلال کشورها و ضامن بقا و سعادت ملت‌ها هستند.

البته حاکم اصلی، مالک همگی و موکل بر همه چیز خدا است که احکامش را در کتاب و سنت به ما رسانده است ولی مالکیت و محافظت را به حکم «ولولا دفع الله الناس بعضهم لبعض لفسدت الارض» به خودمان واگذار فرموده، مردم و دولت را مسئول و حاکم مشاور و متعاقد یکدیگر قرار داده است. برای جلوگیری از مصائب فوق و تحقق آرمان مشترک انقلاب، شما نمایندگان محترم و کسانی که زمام امور فعلاً در اختیارشان است، دو راه در پیش دارید:

(۱) اجرای انتخابات در شرایط و جو حاضر

(۲) انجام انتخابات واقعاً آزاد و ملی بر طبق قانون اساسی (یکی از نمایندگان جو حاضر چیست؟) بدیهی است که در شرایط حاکم و محیطی که روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی، راهپیمائی‌ها و اجتماعات، محاکم و منابر، نهادها و جمعه‌ها حالت انحصاری یک طرفه داشته، مخالفین و معترضین و غیرموافقین محروم از روزنامه و اجتماعات و سخنرانیهای عمومی هستند و در صورت نامزد انتخابات شدن نگران از حملات و خطرات شدید خصوصاً در شهرستانها می‌باشند با چنین احوال و اشکالات هیچ انتخاباتی را، هیچ آدم منطقی و منصف، انتخابات آزاد نخواهد گفت. عکس‌العمل طبیعی و معنی‌دار مردم (قره‌باغ - شما فکرتان راحت باشد ما در آخر بحثمان را خواهیم کرد) اگر به حال خود گذارده شوند تغلل و تقلیل مشارکت است. بنابراین از پشت این تریبون اعلام می‌نمایم که انتخابات خالی از آزادی و نظارت ملی و مجلس حاصل از آن فاقد کمترین اثر برای اهداف فوق و عاری از اعتبار و ارزش از نظر شرعی و قانونی و حقوقی بوده، هر اکثریتی که آورده شود و هر ادعائی که از استقبال و تأیید مردم بنمایند مردود و باطل است.

البته ممکن است کسانی از روی مصلحت‌اندیشی و یا منطق انقلابی، جنگ تحمیلی عراق، توطئه‌های داخلی و خارجی و سوءاستفاده‌ای را که ضدانقلاب از آزادی و اجتماعات می‌نماید علل موجهه برای شرایط استثنائی بدانند. ولی این سؤال پیش می‌آید که آیا منزلت اسلام و مصلحت جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد همانند دوران پهلوی یا دولتهای کمونیستی و فاشیستی توسل به تظاهر و تصنع جسته، به انتخابات در بسته و انحصاری رنگ آزادی و قانونی بزنند و آیا بهتر خواهد بود با شهادت و صداقتی که شایسته اهل حق و ضامن یاری خداوند است اعلام حالت استثنائی و تعطیل مجلس و آزادی شود؟ قانونی بگذرانید

و در رفراندومی از ملت اجازه بخواهید که تا حصول پیروزی و خاموش شدن آتش‌افروزی‌های خارجی مثلاً مجلس حاضر تمدید گردد یا اداره مملکت زیر فرمان ولایت فقیه و نظارت یک شورای انقلاب منتصب مجدد قرار گیرد؟ البته بنده چنین پیشنهادی نمی‌کنم ولی تعطیل موقت تصویب شده انتخابات را صدبار بهتر از انتخابات نادرست و آزادی ادعائی می‌دانم.

اما راه حل یا حالت دوم، یعنی انتخابات واقعاً آزاد این است که اسماً و رسماً به دور از تبعیض و تظاهر و از هم‌اکنون که چند ماه به زمان انتخابات مانده است اعلام و اجرای آزادی گردیده، اجازه نطق و نوشتن و گردآمدن آنطور که قانون اساسی و قانون مطبوعات مقرر داشته است به موافق و مخالف داده شود. همه افراد ملت در اظهار عقیده و انتقاد و اعتراض و در انتخاب نمایندگان خود آزاد باشند (شجونی - وقتی ملت رأی ندادند چکار کنیم؟) و از تهمت و تهدید و (همه‌هه نمایندگان) توقیف یا تکفیر و توهین برطبق قانون حمایت گردند. اگر انتخابات آزاد بلافاصله اعلام و شرایط آن تأمین نگردد نه فرصت لازم برای آگاهی و اطمینان مردم و آشنایی با نامزدها و نظریات فراهم خواهد شد و نه افراد و گروهها از عهده تدارکات لازم برخوردارند. مضافاً به اینکه (رئیس - وقتتان تمام است) باز شدن سوپاپهای اطمینان و تبدیل محیط مسدود فعلی به محیط باز و برادری داروی شفابخش بسیاری از ناراحتی‌ها و نارضائی‌ها و بی‌تابی‌های دائم‌التزاید عمومی خواهد شد (رئیس - وقتتان تمام شد) و به همین دلیل تکیه بر ضرورت و فوریت آن کردم (رشیدیان - مرگ بر پدر منافقین) هنوز بنده می‌توانم به احتمال قوی ... (رشیدیان - خبیثی، واقعاً خبیثی).

رئیس - آقای مهندس وقتتان تمام است.

مهندس بازرگان - یک دقیقه دیگر به من وقت بدهید.

رئیس - یک دقیقه دیگر وقت می‌دهم.

یکی از نمایندگان - مرگ بر بازرگان.

رئیس - اجازه بدهید.

مهندس بازرگان - هنوز بنده می‌توانم به احتمال قوی اطمینان بدهم که بسیاری از نمایندگان محترم فعلی با انتخابات آزاد عام مجدداً به مجلس راه خواهند یافت و ملت پشتیبان و همکارشان خواهد بود. در خاتمه عرایض حضرات مسئولین و متولیان را در دولت و مجلس و نهادها خطاب کرده می‌گویم شما مختارید آزادی واقعی انتخابات را به شرحی که عرض شد بپذیرید و این امانت شرعی و مردمی یعنی حق مالکیت ملی را که در اختیارتان قرار دارد به حکم «ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» به ملت ایران برگردانده فرمان و پند الهی را اطاعت کنید یا آزادی را خلاف مصلحت دانسته تحمل و تأمین ننمائید. در صورت اول رضای خدا (رئیس - یک دقیقه وقتتان هم تمام شده) و رستگاری خودتان و پیروزی انقلاب و ملت را خواهید خرید و در صورت دوم خشم و خصومت مردم را زیاد کرده و همگی خسارالدنیا و الاخره خواهید شد. والسلام علی الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه.